

دو رساله در حج

رساله اول:

حج نامه

الله یار صوفی نقشبندی سمرقندی

رسول جعفریان

در بارة الله یار صوفی سراینده حج نامه

سراینده این حج نامه، بر اساس آنچه روی یکی از دو نسخه آمده، و نیز در بیتی که در پایان اشعار است، عارف - شاعری ترک زبان با نام الله یار صوفی (نقشبندی سمرقندی) است که بنا به آنچه منابع مختلف نوشته‌اند، در سال ۱۱۳۳ در گذشته است. کتاب معروف او که در ایران چاپ شده، «ثبات العاجزین» است که اشعار ترکی اوست (گنبد کاووس، ۱۳۷۴). خلاصه‌ای از آن اثر به نام پندنامه شامل ۶۱ بیت به فارسی سروده شده که به کوشش علی محدث در کتابی با عنوان «پانزده منظومه ادبی - عرفانی» (استهکلم، بی تا) به چاپ رسیده است (صص ۲۳۰ - ۲۲۳). کتاب دیگر او که یک منظومه بلند فارسی است (۶۳۰ صفحه) آن هم در هند منتشر شده است. کتاب دیگری با نام «مراد العارفین» هم در فهرست‌ها برای وی معرفی شده است. وی در سمرقند و بخارا و ماوراءالنهر شهرت داشته و نسخه‌های فراوانی از آثار منظوم وی به ترکی و فارسی در کتابخانه‌های مختلف موجود و شرح حال وی در وبسایت‌های ترکی و ازبکی درج شده است. (برای نمونه بنگرید:

<http://246.blogfa.com/post-464.aspx>

دو رساله در حج

میقات

۱۳۴

شماره ۹۱/بهار ۱۳۹۴

در آخر پند نامه، در باره تاریخ درگذشت الله یار صوفی، این ماده تاریخ آمده است:
 ابوحنیفه وقت است صوفی الله یار خدای داد به او قال و حال را بسیار
 هر آنکه آمده تاریخ فوت او پرسد بگو تو «ق ج غل ل» [۱۱۳۳] را
 به گفته علی محدث: زادگاه الله یار را کته قورغان یا میان کان از توابع سمرقند یاد کرده‌اند.
 (فهرست باباجان اوف، ص ۲۲).

او در آغاز مسلک المتقین ضمن بیان اعتقادات خود می‌نویسد که خدمت شاه عصر می‌کرده
 و نان زقوم می‌خورده، اندک اندک، از آن کار پیشیمان شده و خود را کنار کشیده و به
 جرگه نقشبندیه پیوسته و دست بیعت به شیخ نوروز مرشد نقشبندیان داده و سرانجام
 مسلک المتقین را در امثال فرمان مرشد سروده است. مسلک المتقین منظومه فارسی بزرگی
 است که در فقه حنفی (به جز فصل حج) که آن را در روز دوشنبه ۲۴ محرم ۱۱۱۲ تمام کرده
 است. (مقدمه پند نامه، در: پانزده رساله، ص ۲۲۴).

منظومه مسلک المتقین را می‌توان در گوگل بوک مطالعه کرد. (۶۳۰ صفحه). تا آنجا که بنده
 نگاه کردم، در این منابع، از حج نامه یاد نشده و یا اگر شده (و حتی چاپ شده) بنده از آن
 بی‌خبرم. نامی از این اثر در کتاب‌شناسی آثار چاپ شده فارسی در شبه قاره هند هم برده
 نشده است.

مروری بر حج نامه

ادبیات حج در خراسان بسیار زنده و پویا بوده و حج نامه ما، یکی از آخرین منظومه‌های
 بازمانده از یک جریان ادبی ریشه داری است که در حوزه حج، در خراسان بزرگ وجود
 داشته است. طبعاً «حج»، «ادب فارسی» و «عرفان»، سه زاویه یک مثلث است که از یکدیگر
 جدایی ناپذیر بوده و شاعران و ادیبان فراوانی در این زمینه، با گرایش عرفانی به سرایش شعر
 در باره حج و نگارش متن و نثر و داستان در این باره دست یازیده‌اند.

شاعر صوفی ما، در دوره‌ای برآمده که ادبیات ترکی نیز سربرآورده (از قرن نهم - دهم
 هجری به این سوی) و به صورت شاعر دو زبانه، در حوزه ادب و دین و اخلاق و عرفان، شعر
 سروده است. اینکه این متن از آن الله یار صوفی است، از صفحه آغازین یکی از دو نسخه و
 بیتی که در پایان آمده آشکار است:

الله یار خسته دعا می‌کند تو را تا در پناه حضرت مشکل گشا روی

حج نامه موجود، شعر فارسی و شامل سه بخش است: «اعمال حج و زیارت اماکن متبرکه

مکه»، دوم «زیارت مدینه» و سوم «مرقد امام حسین علیه السلام کربلا»، و این در حالی است که شاعر یک حنفی متعصب است.

شاعر، اشعار خود را خطاب به زائری سروده که به حج می‌رود، اعمال حج را انجام می‌دهد، سپس به دیدار اماکن زیارتی مکه رفته، آنگاه عازم مدینه می‌شود و قبر رسول و بقیع و أحد را زیارت می‌کند. در هر نقطه به او توصیه می‌کند که ضمن رعایت آداب خلوص، اموری که مطابق شأن حج است، او را هم از دعای خیر خود فراموش نکند. وی در زمینه اعمال حج، تک تک اعمال را ضمن بیٹی آورده و ادب حرمت نهادن به آن را بیان کرده است. پس از پایان اعمال، به اماکن زیارتی مکه از قبیل غار مرسلات، کوه حرا و ثور و جز آن هم یاد کرده است. سپس رفتن به مدینه را آورده و زیارت قبر رسول صلی الله علیه و آله فاطمه زهرا علیها السلام و آنگاه بقیع را آورده و گفته است که در آنجا اول به زیارت عثمان برود، سپس سایر صحابه و از جمله اولاد رسول صلی الله علیه و آله که به طور خاص از امام مجتبی علیه السلام یاد کرده است. جالب است که در باره زیارت بقیع، ضمن اشاره به اینکه مرقد امام علی آنجا نیست، اما با گفتن این بیت که:

ظاهر اگر چه نیست تراب علی در آن حاضر بود، به کوی رسول خدا روی

توصیه به زیارت آن امام هم دارد.

اما از همه جالب‌ترین است که پس از بازگشت از مدینه، توصیه زیارت کربلا و مرقد امام حسین - علیه السلام - را دارد. این رسمی شناخته شده برای حجاج ماوراءالنهر در طول سالیان بود که به تدریج با قطع شدن راه عراق، ترک شد.

وقتی که از مدینه بگردی به صد الم شاید که وقت رجعت خود کربلا
آنجا حسین نام یکی شاهزاده است با خاک او به آه و فغان و بکاء روی

از این حج نامه، دو نسخه (از تاجیکستان) در اختیار ما بود که یکی را با عنوان نسخه «۱» و دیگری را «۲» نامیده و از هر کدام که تفاوتی در کلمه، کلمات یا ابیاتی با دیگری داشته، در پاورقی یادآور شده‌ایم. شاید گفتن یک نکته به لحاظ املائی مهم باشد که در این اشعار، تقریباً همه جا به جای «به» «با» بکار رفته که نمونه آن در دومین بیت است:

با مقصدت خدا رساند علی با خانه مبارک ام القری روی



صفحہ اول منظومہ مسلک المتقین اللہ یار صوفی



صفحہ اول نسخہ ۱

۲۵
 بحج نامه صورت السدبار ۳۳۹
 بسم الرحمن الرحیم
 ای باد صحرایان اگر از ما جدا رو در حفظ جفتقال روی پرکاروی
 بمقصود خدای رساند علی مخصوص بانها مبارک ام تقوی ادوی
 روزی رسی بمنزل جرم که انجی لبیک گفته گفته بجان فداوی
 چون باد سپهر بر بنه بدن درین کفتوی بلبار از تقا فرناج قباروی
 کوده تمام فعل طبیعت خود جرم همچون خسته تو بسوی کما رو
 بیرون مکن ز خاطر خود و مدد و سنان چون خال در عاتده کوی دغا
 او بر فتح بقوه خود که حق بیان نمود تا که قدیم جرم غ از همواروی
 بنی سپارش من نشین انکار جانرا کنی خدای دی از خود فداوی
 با صد هزار شوق طلب که دال جرم چون په چهارم بنه بردانه پاروی
 و معتکبه په رجز الاسودش زنی از جده سواد تعلق از باروی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

[اعمال حج]

ای یار مهربان اگر از ما جدا روی
در حفظ حق تعالی روی، هر کجا روی
با^۱ مقصدت خدا رساند علی الخصوص
با خانه مبارک امّ القری روی
روزی رسی به منزل احرامگه رسی^۲
لیک گفته گفته به جای خدا روی
چون با سری برهنه بدن در کفن شوی
یک بار از تفاخر تاج قبا روی
کردی حرام تمام فعل طبیعت به خود حرام
همچون فرشته‌ای که به سوی سما روی
بیرون مکن ز خاطر خود عهد دوستان
چون قابل دعا شده، کوی وفا روی
از یرفع القواعد که حق بیان نمود
تا که فتد به چشم، چو مرغ از هوا روی
بینی سیاه پوش مربع نشین نگار
جان را کنی فدا و ز خود فنا روی
با صد هزار شوق طلب کرد آن حریم
چون سه و چهار مرتبه، پروانه سا روی

۱. در این متن همه جا به جای «به» یا «با» بکار رفته است.

۲. در نسخه ۲ : ... به منزل احرام گه اخی.



وقتی که بوسه بر حجر الاسودش زنی
از جمله سوا و تعلق رها روی
در جمله باب‌ها و مقام خلیل حق
با دیده پر آب، رخ کهربا روی
رکن عراقی ست، حطیم ست، رکن شام
در هر کدام رکن، به صد التجا روی
هم بین سنگ رکن یمانی دعا کنی
گویا که زیر سایه عرش علا روی
دیوار کعبه را که بگیری کنار خود
در بحر ذوق شوق شوی غرق تا روی^۱
آنجا که عفو و مغفرت از حق طلب کنی
با کوچۀ دعا به امید بقا روی^۲
باری به حق صاحب آن خانه عظیم
راه دعا به مقصد این مدعا روی^۳
آنگاه در مقام خلیل جلیل خود
بگذار دو گانه بحمد و ثنا روی
حاجات دوستان ز خداوند خود طلب
وقتی که در میانه مروۀ صفا روی
ساعی شوی میانه میلین اخضرین
آنگه به سوی وعده گه کبریا روی
در راه او که به مسجد نحرست جمره ها
آن جمله حاضر است به کوه مینا^۴ روی
هم مسجد خیف، دگر غار مرسلات^۵
با سوی هر یکی به هزار التجا روی

۱. در نسخه ۲: در بحر ذوق غرق شوی تا کجا روی.
۲. در نسخه ۲: ... به امید لقا روی.
۳. در نسخه ۲: ... این میتلا روی.
۴. کذا. در موارد دیگر هم مینا به جای منا آمده است.
۵. در نسخه ۲: هم مسجدست دگر غار مرسلات.

هم موقف^۱ رسول علیه السلام هست
 آن شب به آن مقام^۲ به چندین رجا روی
 هم مزدلفه، در رهست مشعر الحرام^۳
 آنکه به سوی رحمت جلّ علا روی^۴
 از یاد خود میوش من روسیاه را
 بالای آن جبل که ز بهر دعا روی
 یعنی که آن جبل، عرفات الاجابت است
 با صد هزار امید با مقصدها^۵ روی
 بینی دعای زاری چندین هزار خلق
 آنجا تو هم به زاری یا ربنا روی
 چون گشته غرق در عرق^۶ جریمهای پیش
 سر را فرو کرده به بحر حیا روی^۷
 آن جا چه جای جنبش از پا نشستن است
 گویا قیامت ست که دارالقضا روی
 آن روز جمع، قصر بخوانند ظهر و عصر
 خوش دولت عظیم که به اقتدا روی
 زان وقت تا فرو^۸ رفت آفتاب
 با زاری [و] تضرع^۸ بالتجا روی

۱. در نسخه ۱: موقوف.

۲. در نسخه ۲: در آن مقام.

۳. در نسخه ۲: هم در رهست مزدلفه مشعر الحرام.

۴. در نسخه ۲: زانجا به کوه رحمت جلّ علا روی.

۵. در نسخه ۲: مقصودها.

۶. در نسخه ۱: غرق در غرق.

۷. در نسخه ۱: سر را فرو به کرده بحر حیا روی.

۸. در نسخه ۲: به فرو



ناگه ندا رسد که دعا مستجاب شد
از خویشتن ز شادی آن ندا^۱ روی
آنکه به سوی مزدلفه که روان شوند
با قصر جمع کردن شام عشا روی
هفتاد سنگ جمع کنی مثل باقلا
از خفت خواب البته آن شب فرا روی
در وقت غلس^۲ که گذارند بامداد
با مشعرالحرام از آن دلگشا روی
تا القرار باشی تو در مشعرالحرام
پیش از طلوع شمس به کوه مینا روی
قربان امر او بکنی^۳ جان خویش را
وقتی با مینا به مقام رضا^۴ روی
سر را سترده^۵ نیز همه امرها کنی
بار دگر به کعبه مقصد رسا روی
طوف دوباره عمره به جا آوری تمام
بهر امید عفو^۶ به مقام رضا روی
آنکه شود گشاده در خانه عتیق
بحر دخول بیت عقیدت فرا روی
داخل شوی به وعده گه «کان آمناً»
از در دعا بگویی به دارالشفای روی
آگاه از حقیقت آن خانه رو دهد
چون مخلصین بدیده^۷ اخلاص او روی

۱. در نسخه ۲: یک ندا (ظ)
۲. تاریکی آخر شب.
۳. در نسخه ۱: کن
۴. در نسخه ۲: خدا
۵. در نسخه ۲: سستی ده
۶. در نسخه ۱: عقدا.
۷. در نسخه ۱: دیده

هر سنت ادب که در آنجا نوشته‌اند
از لطف حق تمام در آنجا بجا روی

[زیارت اماکن مکه]

جای های پر فرح که در اطراف کعبه است
با سوی هر مقام^۱ به صدق صفا روی
بیرون مکن ز ذهن شریف کیف^۲ را
با منزل تولد نورالهدی روی
با قبه گاهی مکه معلاست نام او
یعنی به آن مقام که جنت نما^۳ روی
از این تباه عمر سیه نام یاد کن
با خاک پاک فایض هر اولیا روی
با کوه بوقییس به میلین مدعا
راحت گشاده باد به هر مدعا روی
راه دعا و باب اجابت گشاده است
با کوه ثور^۴ به کوه حرا روی

[مدینه منوره]

آنگاه با هزار هزار اشتیاق دل
با روضه شریف حبیب خدا روی
کوهی ست در میانه، قریب مدینه است
آنجا روی ز هوش دل بنوا روی
زانجا حظیره نبوی می نموده است
چون کوه اگر حلیم شوی هم ز پا روی^۴

۱. در نسخه ۲: هر کدام

۲. نسخه ۱: کشیف را.

۳. در نسخه ۲: بر جنت نما.

۴. اشاره به کوهکی نزدیک مدینه که وقتی کاروان به آنجا رسد، گنبد حرم را ببیند و از آنجا که قریب یک فرسخ بوده، با پای پیاده رود.



چون آمدی به هوش چنان ره روان شوی
از اشتیاق ذوق^۱ ندانی کجا روی؟!
جایی رسی که فخر دو عالم بخرفته اند
یکبارگی ز خویش همه ما سوا روی
چون داری^۲ ز خویشتن وز تعلقات
وقتی که با مقدسه مصطفی روی
لیکن جمال پاک نبینی به چشم سر
وقتی که ذره ای به طریق ریا روی
زنهار ای برادر من گن در این طریق
گر شاه غرب و شرق شوی، چون گدا روی
روی نیاز را که به درگاه نبی نهی^۳
با چشم گریه ها و به دل، با دعا روی
آنجا مرا به خاطر عاطر یکی رسان
یعنی با خاک پاک سر انبیا روی
از پاشکستگی من دلفکار گو
وقتی نزد حضرت والا جا روی^۴
ز آنجا بصد هزار ادب ساخته رجوع^۵
با روضه دو شیخ^۶ صفی، صفا روی
چون ساختی دوباره نبی را شفیع خود
بار دیگر براه دعا بهر ما روی^۷
یک سوی آن خطه بود دختر رسول^۸

۱. در نسخه ۲: از اشتیاق دل تو
۲. در نسخه ۱: چون دار رهی (ظ)!
۳. در نسخه ۲: روی نیاز را که به خاک نبی نهی،
۴. این بیت در نسخه ۲: نیامده است.
۵. در نسخه ۱: آنجا به صد.
۶. مقصود ابوبکر و عمر است.
۷. این بیت در نسخه ۱: نیامده است.
۸. در نسخه ۲: همیون آن حظیره بود دختر رسول.

ز آنجا به صد هزار ادب با دعا روی
 یار قدیمی ببر محبت صمیم من^۱
 بی یاد این کمینه از آنجا چرا روی
 ز آنجا اگر رجوع نمایی روی بقیع
 اول به خاک منبع حلم و حیا روی
 ظاهر اگر چه نیست تراب علی در آن^۲
 حاضر بود، به کوی رسول خدا روی
 اندر بقیع بی عدد از صحبت مصطفی ست^۳
 ز اولاد همچنان در آن پاک جا روی
 نور دو چشم حضرت خیر البشر در اوست
 یعنی حسن به روضه آن مقتدی روی^۴
 هم گن در اوست حجره ازواج مصطفی
 حد تو نیست اینکه در آنجا به پا روی
 یعنی بقیع جای دعا و اجابت است
 وقت دعا به پاکی التقا روی^۵
 دیرینه یار خویش ز خاطر برون^۶ مساز
 هر چند زین تراب به سوی سما روی
 زانجا اگر رجوع نمایی سوی احد
 با خاک پاک عم شفیع جزا روی^۷

۱. در نسخه ۱: «من» نیامده است.

۲. قائمی نیا، علیرضا، ص ۵۵۸، ۱۳۸۹ ش.

۳. در حاشیه نسخه ۲: اندر بقیع بی عدد هم صحبت نبی است

۴. این بیت در نسخه ۱: نیامده است.

۵. در نسخه ۲: به پاکی مالقا روی.

۶. در نسخه ۱: بیرون.

۷. این بیت در نسخه ۱: نیامده است.

[زیارت کربلا]

وقتی که از مدینه بگردی به صد الم
شاید که وقت رجعت خود کربلا روی
آنجا حسین نام یکی شاه زاده است
با خاک او به آه و فغان و بُکا روی
ظلم و ستم که در حق آن شه گذشته است
بینی به چشم البته^۱ از خویش وا روی
چون ساختی وصیله^۲ خود آن کرام را
آنگه به قبر جملهٔ مظلوم ها روی
آن جمله نور چشم جگر گوشه نبی ست
با خاک هر یکی به هزار اشتها^۳ روی
با این^۴ طلب که دعوت مظلوم هست
با دیده پر آب، رخ کهربا روی
هر جای خوش رسی^۵ ز من خسته یاد کن
با او سپرده ایم تو را هر کجا روی
من از فراق روی توام در سموم غم
تو زاشتیاق دوست^۶ چو باد صبا روی
دلها چگونه خون نشود صد هزار بار
با همچون تو نور دیده که از چشم ما روی^۷
بی طاقتم ز هجر تو لیکن چه جای منع

۱. در نسخه ۲: به چشم ظاهر.

۲. کذا


۳. در نسخه ۲: التجاء.

۴. در نسخه ۲: باری طلب

۵. در نسخه ۱: زبینی!

۶. در نسخه ۲: اشتیاق کعبه

۷. در نسخه ۲: همچون تو نور بی بدل از چشم ما روی



تو شیرمردها ره دار رضا روی^۱
مردانه رو که از سر مردانگی خویش
چون طوطیا به دیده اهل فنا روی
اول ز خویش گم شو و آنگه اراده ساز^۲
اول قدم ز عقده ما و شما روی
فانی شوی تمام ز هستی^۳ خویشتن
خود را که نیست ساختی بالا بقا روی^۴
الله یار^۵ خسته دعا می کند تو را
تا در پناه حضرت مشکل گشا روی
ای مرد دلفکار تو هم دعا کنی
آن خالق کل رساند ترا تیز روی^۶

* * *

این دست من از خاکست
هم خاک شود روزی
این نام من از دنیاست
هم پاک شود روزی
هر کس که مرا داند این خط مرا خواند
شاید که کند یادم غمناک شود روزی
هر که خواند، دعا طمع دارم؛ زانکه من بنده گنه کارم.

و الله اعلم بالصواب.

۱. در نسخه : تو شیره مرد باره دار ضیاء روی

۲. در نسخه ۲: اول ز خویش بگذر و....

۳. در نسخه ۱: ز نیستی خویشتن.

۴. در نسخه ۲: خود را چو نیست ساختی با او بقا روی

۵. الله یار صوفی سراینده اشعار.

۶. این بیت در نسخه ۲: نیامده است.